

عوامل تهدیدکننده امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی

وحیده توحیدخواه^۱

زهرا قرقی^۲

ثریا رازقی^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل تهدیدکننده امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی است. به همین منظور این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بررسی مضمون ابیات شاهنامه، درصدد پاسخ به چستی تهدیدات وجودی امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی است. شاهنامه مهم‌ترین کتابی است که به بیان تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران باستان پرداخته است؛ پس با ژرف‌نگری در آن می‌توان مؤلفه‌های تهدیدکننده امنیت نظامی را بررسی کرد و از نگرش حکیمانه فردوسی در مواجهه با چالش‌های امنیتی بهره برد. نتایج، بیانگر آن است که فردوسی در این اثر بی‌بدیل، چشم‌انداز امنیتی جامعه را در ابعاد گوناگون به‌ویژه نظامی به‌خوبی ترسیم کرده است. با واکاوی داستان‌های شاهنامه می‌توان مؤلفه‌هایی را که در ایجاد حس تهدید و آسیب‌پذیری امنیت نظامی کشور اثرگذار بوده‌اند و زمینه منطقی را برای امنیتی کردن موضوعات فراهم کرده‌اند، در چهار گروه قرار داد که عبارتند از: توانایی‌های نظامی میان رقبا و تغییر در این مناسبات، جغرافیای سرزمین از طریق بعد و پهنه جغرافیایی، عوامل تاریخی باوجود پیشینه تلخ و خاطرات ناخوشایند درگیری‌های گذشته، عوامل سیاسی و میزان شناخت و هماهنگی بازیگران سیاسی. بدین‌ترتیب با شناخت بنیان‌های فکری ایرانیان باستان در شیوه تحقق و تداوم امنیت نظامی می‌توان زمینه تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های نظامی کشور را معرفی کرد و به حاکمان و دولت‌مردان برای اتخاذ تدابیر اضطراری در برابر تهدیدات مختلف و تداوم امنیت نظامی کشور یاری رساند.

واژگان کلیدی: امنیت، امنیت نظامی، تهدید، شاهنامه فردوسی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول، عضو هیئت علمی، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

امنیت از مفاهیم راهبردی است که نقش مؤثری در حیات و بقای جوامع بشری، رشد و شکوفایی استعدادها و تکامل و تعالی جامعه دارد. از دیرباز تاکنون، امنیت یکی از الزامات زندگی جمعی بشر و عاملی مؤثر در پایداری نظام سیاسی هر کشور تلقی می‌شود؛ زیرا حفظ استقلال ملی و پیشرفت جامعه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... به تأمین امنیت وابسته است. از نظر تاریخی، جنگ مهم‌ترین و دیرینه‌ترین تهدید علیه امنیت فرد و جامعه محسوب می‌شد؛ از این رو امنیت نظامی بنیادی‌ترین بعد امنیت ملی بوده و همواره مورد توجه تحلیلگران امنیت و دولت‌مردان قرار داشته است.

در گذشته، تمرکز بر بعد نظامی امنیت، زمینه مطالعات گسترده درباره نیروهای نظامی و جنگ را در چارچوب مطالعات راهبردی فراهم می‌کرد؛ ولی با آغاز مطالعات امنیتی جدید پس از جنگ سرد و توسعه یافتن ابعاد امنیت، تلاش شد تا از تمرکز بر تهدید، کاربرد و مدیریت نظامی محض اجتناب گردد؛ با این حال جوهره امنیت هنوز هم با ملاحظات نظامی گره خورده است. به گفته «افتخاری» در جهانی که میزان تهدیدات، پیوسته رو به افزایش است، هرچند محوریت نیروی نظامی مورد پرسش واقع شد و کوشیدند برای حل اختلافات با جایگزین کردن ابزارهای حقوقی، قانونی، دیپلماتیک و ...، نیروهای نظامی را در معادلات امنیتی به حاشیه برانند؛ اما به هیچ وجه از شأن ابزاری نیروی نظامی کاسته نشده است؛ (ر.ک: ۱۳۹۵: ۲۷۸) بدین ترتیب تحلیلگران حوزه امنیت بر این باورند که با وجود گسترش مفهوم امنیت و ایجاد ملاحظات جدید در تضمین امنیت کشورها، موضوع امنیت نظامی اهمیت و اولویت خود را در حکومت‌ها حفظ کرده است؛ زیرا نظامی گری معیار نهایی سنجش میزان امنیت ملی و به تبع آن، تهدید نظامی هم اصلی‌ترین تهدید برای اجرای دولت محسوب می‌شود.

ضرورت پرداختن به بعد نظامی امنیت و تهدیدهای وجودی امنیت نظامی در آن است که علاوه بر تقویت مطالعات امنیتی می‌تواند راه گشای تأملات جدیدی در حوزه امنیت باشد و به شناخت نقاط مشترک احتمالی در موضوع خاصی که باید امنیت آن تضمین شود یا چیزی که این امنیت را تهدید می‌کند به عنوان مبنایی برای پیشبرد گفت‌وگو کمک می‌کند (ر.ک: تریف و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۵۸). بدیهی است که مطالعات و نظریه پردازی در حوزه امنیت به شدت با زمینه‌های ارزشی و بومی کشورها و جوامع مختلف آمیخته است؛ از این رو ضروری است که با انجام مطالعات امنیتی در آثار کهن ایرانی به بازشناسی و نوسازی نظریات امنیتی، متناسب با شرایط و اقتضائات ارزشی جامعه خود دست یافت.

بی‌شک ادبیات یک ملت، برترین جلوه حیات فکری و فرهنگی او محسوب می‌شود. شاهنامه فردوسی بزرگ‌ترین منبع تاریخ، فرهنگ و هویت ملی ایرانی‌هاست که گنجینه عظیمی از پیشینه فرهنگ، تاریخ، ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و پیوندهای جامعه ایرانی را دربر دارد و ساختار سیاسی،

نظامی، اجتماعی و تهدیدهای گوناگون داخلی و خارجی جامعه کهن ایرانی را بازگو می‌کند. شاهنامه، گواه شکوه فرهنگ و تمدن دیرینه ایرانی و به گفته «نولدکه» «تاریخ جامع شاهنشاهی» است؛ (نولدکه، ۱۳۷۹: ۱۲۴) بنابراین می‌توان با ژرف‌نگری در این شاهکار ادبی به نحوه ایجاد امنیت در سطوح و ابعاد گوناگون در ایران باستان پی برد و نیازهای جامعه امروز ایرانی را در حوزه شناخت مفهوم امنیت نظامی و عوامل مختلف تقویت یا تهدیدکننده آن، شناسایی و تأمین کرد؛ اما پیش‌ازاین، پژوهش فراگیری در مورد دیدگاه فردوسی به مفهوم امنیت نظامی و مؤلفه‌های تهدیدکننده آن در شاهنامه انجام نشده است. هدف اصلی پژوهش نظری حاضر این است که مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد تهدیدهای امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی استخراج گردد و به دو پرسش زیر پاسخ داده شود:

۱- موضوع امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی چه جایگاهی دارد؟

۲- مؤلفه‌های تهدیدکننده امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی چیست؟

به نظر می‌رسد مسئله امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا فردوسی با بیان حماسی تاریخ ایران از زمان نخستین پادشاه تا شکست ایرانیان از اعراب مسلمان، سعی دارد عوامل ایجادکننده یا تهدیدکننده امنیت نظامی را در ایران ذکر کند. حاکمان دادگر شاهنامه به‌رغم برتری در قدرت، هیچ‌گاه آغازگر جنگ نبوده‌اند و پیوسته برای جلوگیری از آشوب و جنگ کوشیده‌اند؛ ولی زمانی که عوامل تهدیدآفرین، وقوع جنگ را امری ضروری می‌نمود با چاره‌اندیشی و تقویت بنیه نظامی کشور، امنیت را در جامعه حاکم می‌کردند؛ بدین‌ترتیب شاید بتوان مؤلفه‌های تهدیدکننده امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی را در چهار گروه: توانایی‌های نظامی میان رقبا و تغییر در این مناسبات، جغرافیای سرزمین از طریق بعد و پهنه جغرافیایی، عوامل تاریخی باوجود پیشینه تلخ و خاطرات ناخوشایند درگیری‌های گذشته و عوامل سیاسی و میزان شناخت و هماهنگی بازیگران سیاسی طبقه‌بندی کرد.

تاکنون در هیچ پژوهشی که مرتبط با شاهنامه باشد، عوامل تهدیدکننده امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی به‌طور مستقل، علمی و نظام‌مند بررسی نشده است و این پژوهش برای نخستین بار با استناد به ابیات موجود در شاهنامه، اندیشه‌های فردوسی را در زمینه امنیت نظامی و مؤلفه‌های تهدیدکننده آن بررسی و تحلیل می‌کند که در نوع خود خلاق و نوآورانه است.

مبانی نظری پژوهش

امنیت یکی از بدیهی‌ترین نیازهای بشری است. انسان همواره در تکاپوست تا از راه افزایش امکانات و توانمندی‌ها، خود را به سطحی برساند که از گزند و آسیب دیگران و محیط پیرامون در امان باشد. پس از تشکیل جوامع انسانی و یکجانشینی بشر بدوی، حفظ و تداوم امنیت یکی از ضروریات جامعه و مسئولیت‌های حکومت محسوب شده است.

امنیت: معنای لغوی امنیت «بی‌خوفی، امن، بی‌بیمی، ایمنی و در امان بودن» (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۱۱) است؛ ولی درواقع امنیت مفهومی به‌شدت ذهنی، نسبی و برساخته اجتماعی است و «کماکان در فهم چیستی آن، بین محققان اتفاق نظر وجود ندارد.» (درویشی، ۱۳۸۹: ۵۷) یکی از دلایلی که دسترسی به این اجماع را با مشکل مواجه کرده، ناشی از بعد وجودی و پویای نظریه‌های سیاسی است که با مسائل انسانی ارتباط دارد؛ بنابراین ذهنیت و برداشت‌های افراد در مورد موضوعات خاص و متناسب با دوران و شرایط زمانی خاص حاکم بر کشور و حتی محیط فراملی مؤثر است (ر.ک: اسپرگنر، ۱۳۸۲: ۳۲-۳۳) درمجموع امنیت به معنای نبود تهدید و ترس علیه ارزش‌های جامعه و نظام است؛ به عبارت دیگر امنیت یعنی: «توانایی کشورها و جوامع برای حفظ هویت مستقل و تمامیت آن‌ها.» (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۳)

در قلمرو مطالعات امنیت، گروهی از دانشمندان بر مطالعه تهدید، استفاده و کنترل نیروی نظامی تأکید دارند و امنیت مردم و دولت را یکسان می‌دانند. آن‌ها معتقدند دولت‌ها نمی‌توانند برای مدت طولانی ایمن باشند؛ مگر اینکه شهروندان آن‌ها ایمن باشند؛ بدین ترتیب امنیت دولت‌ها یک اصل اولیه و مقدماتی برای تأمین امنیت مردم دانسته می‌شود و همه مردم حق دارند که زندگی ایمن داشته باشند و تمام دولت‌ها مکلف هستند که برای تأمین امنیت و صیانت از آن تلاش کنند (ر.ک: مک‌کین‌لای و لیتل، ۱۳۸۰: ۶۲-۶۳). «هابز» و «ماکیاولی» حفظ امنیت کشور و شهروندان را از اهداف اصلی حکومت برای تضمین موفقیت در فعالیت‌های دولت و مصلحت جامعه می‌دانند (ر.ک: پهلوان، ۱۳۶۶: ۹). بر مبنای این نوع نگرش تهدید اصلی امنیت ملی هر کشوری، تهدید نظامی است و تنها راه مقابله با آن به کارگیری سخت‌افزارهای نظامی است.

امنیت نظامی: بر اساس تفکر قدیمی در مورد امنیت و وقوع درگیری‌های نظامی فراوان، واژه امنیت همیشه همراه و ملازم فعالیت‌های نظامی بوده است؛ تا جایی که «والتر لیپمن» در تعریف امنیت می‌گوید: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های انسانی خود را حفظ کرده و در صورت اقدام به جنگ آن را پیش ببرد» (مرادیان، ۱۴۰۱: ۴) بنابراین از نظر تاریخی، جنگ مهم‌ترین و دیرینه‌ترین تهدید علیه امنیت فرد و جامعه بوده و به تبع آن امنیت نظامی، بنیادی‌ترین بعد امنیت ملی قلمداد می‌شده است. به عقیده «رابرت ماندل» امنیت نظامی عبارت است از: «میزان قابلیت نیروهای مسلح یک کشور برای حفاظت از حکومت و مردم در مقابل تهدیدات قهرآمیز.» (۱۳۸۷: ۶۷)

تهدید: واژه تهدید در لغت به معنای «بیم، ترس، وعید کردن، ترسانیدن» است؛ (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۱۱) اما در اصطلاح مفهوم تهدیدات امنیتی با جنگ به معنای برخورد نظامی میان دولت‌ها آغاز شده است. «بوزان» تهدیدهای مطرح برای دولت‌ها را سه نوع می‌داند: تهدیدهایی که متوجه اندیشه دولت یعنی ملت‌گرایی است؛ تهدیدهایی که بنیان‌های فیزیکی دولت یعنی جمعیت و منابع را هدف می‌گیرد و

تهدیدهایی که متوجه نمود ظاهری و نهادین دولت یعنی نظام سیاسی است (ر.ک: ۱۳۷۸: ۶۵).

«ریچارد اولمن» معتقد است: «تهدید امنیت ملی اقدام یا سلسله رویدادهایی است که به شکل مؤثر در دوره زمانی نسبتاً کوتاهی، خطر افت کیفیت زندگی را برای ساکنان یک کشور پیش می‌آورد یا با خطر جدی کاهش طیف خط‌مشی‌هایی که حکومت یک کشور یا واحدهای غیرحکومتی خصوصی موجود در داخل کشور می‌توانند از میان آن‌ها دست به انتخاب بزنند، همراه باشد.» (تریف و همکاران، ۱۳۸۳: ۵۰-۵۱)

پیشینه پژوهش

کاوش در مطالعات انجام‌شده درباره شاهنامه و امنیت نظامی، نشان می‌دهد که هرچند شاهنامه با جنگ‌ها و تهدیدهای نظامی گسترده عجین شده است، کمتر تحقیقی به‌طور مستقل، علمی و نظام‌مند به بررسی عوامل تهدیدکننده امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی پرداخته است. در ادامه به چند پژوهش با موضوع امنیت و جنگ در شاهنامه فردوسی اشاره می‌شود.

میرزا ملا احمد (۱۳۸۲) در مقاله «جنگ و صلح در شاهنامه فردوسی» ضمن بررسی انگیزه‌های شروع جنگ‌ها بر پیوستگی و همراهی صلح و جنگ در شاهنامه تأکید می‌کند و معتقد است در شاهنامه اکثر جنگ‌ها برای نابودی بی‌عدالتی و ناپاکی روی می‌دهد و صلح، واسطه مهم حل مشکلات است. محمدصادق کرم‌زاده دیزجی (۱۳۹۴) در کتاب «امنیت در شاهنامه» به گفتگوهای مجازی با پادشاهان شاهنامه پرداخته است تا بدون مقایسه با سایر تاریخ‌نگاری‌ها و با زبانی ساده و قابل استفاده برای طبقات مختلف اجتماع، نگرش‌های امنیتی هر یک از آن‌ها را تبیین کند. مسلم احمدی (۱۳۹۰) در مقاله «راهبردها و تفکرات جنگی ایرانیان در شاهنامه» به بررسی اصول و روش‌های نبرد در شاهنامه می‌پردازد و آن‌ها را با تاکتیک‌ها و راهبردهای جنگی کنونی مطابقت می‌دهد. بتول صیفوری (۱۳۹۲) در مقاله «نگاهی جامعه‌شناختی به علل و آیین جنگ‌ها در شاهنامه فردوسی» معتقد است عوامل بروز جنگ‌ها ریشه در ساختار اجتماعی و سیاسی جامعه آن دوران دارد.

روش پژوهش

این تحقیق با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. روش طبقه‌بندی داده‌ها، کیفی و از نوع تحلیل مضمون است. منظور از کیفی، هر نوع پژوهشی است که یافته‌های تولیدشده با کمک عملیات آماری و شمارشی به دست نیامده باشد. (ر.ک: استراوس و کرین، ۱۳۹۱: ۲۶) تحلیل مضمون روشی برای تعیین، تحلیل و بیان مضامین موجود درون داده‌ها است و در استخراج داده از متون و محتوا کاربرد دارد. این شیوه، جزء تحقیقات کیفی و روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی و متنی است (ر.ک: عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۴-۱۵۵). انعطاف‌پذیری در

این روش باعث می‌شود که ابتکار، تخصص و اطلاعات پژوهشگر نقش تعیین‌کننده‌ای در شناسایی، استخراج، سامان‌دهی و نتایج پژوهش ایفا کند. جامعه آماری این تحقیق، متن شاهنامه فردوسی است. ساختار کلی مقاله به این شکل است که ابتدا توضیحاتی درباره اهمیت امنیت و امنیت نظامی و پیوند آن با مقوله تهدید در جوامع انسانی ارائه می‌شود، سپس با بررسی ابیات شاهنامه فردوسی، عوامل تهدیدکننده امنیت نظامی در گروه‌های مختلف دسته‌بندی و تحلیل می‌شوند.

یافته‌های پژوهش

در اواخر قرن بیستم رشد فزاینده تحولات محیطی و اندیشه‌ورزی‌های بشر برای کشف ناشناخته‌ها و رسیدن به زندگی بهتر و آرام‌تر، جهان را متحول کرد. به دلیل اهمیت و تأثیر ویژه‌ای که امنیت در تاریخ و سرگذشت ملت‌ها دارد، این دگرگونی‌ها، مرزهای دانش مطالعاتی در حیطه امنیت را نیز در برگرفت و تحولات شگرفی در مطالعات، نظریات و راهبردهای این حوزه پدید آورد.

مفهوم امنیت نه‌تنها در دوران معاصر بلکه در جوامع کهن نیز مهم بوده و نمودهای فراوانی داشته است. متون ادبی، به‌ویژه حماسی، از بهترین بازتاب‌دهندگان موضوع امنیت و تهدید در زندگی مردم قدیم هستند. شاهنامه فردوسی یکی از برجسته‌ترین متون حماسی ایران و جهان است که لایه‌های گسترده‌ای از اندیشه و شیوه زندگی ایرانیان باستان را ترسیم می‌کند. در داستان‌های شاهنامه فضای وهم‌آلود اسطوره‌ای، نبردهای حماسی، دلاوری‌های پهلوانی و سایه‌روشن‌های تاریخی به شکل اعجاب‌انگیزی درهم‌تنیده شده است. حماسه ملی ایران شامل داستان‌هایی از گذشته‌های باستانی عهد اساطیر و ماجراهایی از برخورد ایرانیان شرقی با اقوام تورانی و توسعه آیین‌های باستانی ایران است تا از مجموع این داستان‌ها، اندیشه وحدت ملی ایران را تحقق بخشد. به گفته «زرین‌کوب» فردوسی سرگذشت قومی را تبدیل به حماسه می‌کند که پیکار آن‌ها برای بقای خود در مقام پیکار برای بقای خیر ایزدی در مقابل شر اهریمنی قلمداد می‌شود (ر.ک: ۱۳۸۹: ۲۹). بخش عظیمی از شاهنامه فردوسی به روایت نبردهای ایرانیان با تورانیان، تازیان و بیگانگانی است که همواره چشم طمع به سرزمین ایران داشته‌اند و با ایجاد ناامنی و تهدید، امنیت ملی را به خطر انداخته‌اند؛ از این‌رو فردوسی در شاهنامه، ملتی را به تصویر می‌کشد که خواهان استقلال کشور و ایستادگی در برابر بیدادگر است.

دل و پشت بیدادگر بشکنید همه بیخ و شاخش ز بن برکنید (ج ۶، ۴۰۶)

تهدیدات امنیت نظامی در مطالعات امنیتی، اصلی‌ترین تهدید برای یک دولت محسوب می‌شود؛ زیرا از یک‌سو همه اجزای دولت اعم از حاکمیت، سرزمین و دولت را هدف قرار می‌دهد و از سوی دیگر دستاوردهای صنعتی، اقتصادی و تمدنی جامعه را با خطر مواجه می‌کند. در گذشته نیز که حکومت‌ها انسجام جغرافیایی بیشتری داشته‌اند، مهم‌ترین مؤلفه در حفظ امنیت ملی، مصون ماندن تمامیت ارضی

کشور و نظام حکومتی از تهدیدهای نظامی بیرونی یا تهدیدهای امنیتی داخلی بوده است و چنانچه هر یک دچار تهدید می‌شد، حاکمیت با امنیتی جلوه‌دادن آن، ابزارهای نظامی و زور را برای رفع تهدید و حفظ امنیت به کار می‌برد. به گواه تاریخ در گذشته «بشر تجارب زیادی در زمینه تهدید امنیت از طریق تهاجم نظامی داشته و متقابلاً از طریق نیروهای نظامی، امر دفاع یا امنیت فراهم شده است؛ بنابراین بعد نظامی امنیت در گذشته برجسته بوده است» (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۹) و حکومت‌ها می‌کوشیدند تا با ارتقای توانایی نیروهای مسلح برای حفاظت از ملت، دولت و ارزش‌های اساسی و حیاتی آن‌ها در برابر تهدید و تهاجم نظامی، امنیت نظامی را حفظ کنند.

حفظ منافع ملی، امنیت داخلی و مرزهای جغرافیایی کشور در ساختار حکومت‌های شاهنامه بر عهده نظام حاکمیتی بود که در رأس آن پادشاه قرار داشت؛ از این رو شاهان مسئولیت اصلی برقراری امنیت نظامی و دفع تهدیدات امنیتی را به عهده داشتند و برای رسیدن به این هدف از پهلوانان و نیروهای رزمی یاری می‌جستند. به باور حکمرانان شاهنامه، زمانی که بیگانگان به مرزهای جغرافیایی کشور تعرض نمایند یا جان، مال و هویت مردم ساکن در کشور از سوی دشمنان خارجی یا داخلی تهدید شود، استفاده از ابزار زور و نظامی‌گری ضرورت می‌یابد تا بدین وسیله تمامیت ارضی، نظام حکومتی و مردم کشور را از تهدیدهای نظامی بیرونی یا تهدیدهای امنیتی داخلی در امان نگه‌دارند.

انواع تهدید

به‌طور کلی منابع تهدیدکننده امنیت ملی کشورها به دو گروه تهدیدهای داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند. تهدیدهای داخلی، امنیت ملی را هدف قرار می‌دهند که شامل: منازعات و نابرابری‌های اقتصادی، قومی، سیاسی، اجتماعی و ... در داخل کشور هستند و عامل اصلی بروز آن را بی‌عدالتی و عدم توسعه ملی دانسته‌اند. در شاهنامه به تکرار گروه‌های سیاسی بانفوذ، گروه‌های قومی، قدرتمندان اقتصادی و نیروهای مسلح برای رسیدن به اهداف و منافع خود، امنیت ملی را تهدید کرده‌اند و با اقدامات خرابکارانه زمینه‌ساز ناامنی، شورش، کودتا و براندازی در کشور شده‌اند.

ثروت، قدرت نظامی و دینی در حکومت‌های شاهنامه باعث اعتبار و نفوذ سیاسی بوده است و به دلیل تعداد کم آن‌ها، حاکمان تحت سلطه اقلیت نظامی، دینی یا اشراف قرار داشته‌اند. «جامعه‌شناسان این شیوه فرمانروایی را به پیروی از افلاطون، الیگارش می‌خوانند. افلاطون بر آن بود که این شیوه فرمانروایی بسی از اقتدار موناشرشی خطرناک‌تر است؛ چه موناشرش یک کس است و پس از مدتی امید می‌رود تا از خوردن و چپاول سیر شود؛ اما در وضعیت سلطه الیگارش‌ها همین روزنه امید هم بسته می‌شود»؛ (جوادی، ۱۳۷۰: ۲۵) بدین ترتیب حضور افراد ذی‌نفوذ در امر حکومت و سیاست‌گذاری‌های کشور تأثیر زیادی دارد. به گواهی شاهنامه اعمال نفوذ صاحب‌منصبان، فرماندهان و موبدان در شیوه فرمانروایی حاکمان بارها امنیت نظامی کشور را تحت تأثیر قرار داده است؛ همان‌طور که در جانشینی نوذر، بزرگان کشور به

وصیت منوچهر توجهی نکردند و اگر پافشاری زال نبود، نوذر نمی توانست بر تخت بنشیند؛ در دوران بلاش که نوجوان بود، مدیریت حکومت توسط سوفرای پهلوان انجام می شد و این قدرت و نفوذ فراوان، کودتای سوفرای علیه بلاش، برکناری او و بر تخت نشاندن قباد را رقم زد. سوفرای پس از پادشاهی قباد نیز به عنوان مشاور برگزیده شد و مانند حاکمی مقتدر ولی در سایه به اداره امور کشور می پرداخت و تصمیم گیری های او امنیت نظامی و ملی را تحت تأثیر قرار می داد.

همی راند کار جهان سوفرای	قباد اندر ایران نبند کدخدای
همه کار او پهلوان راندی	کسی را بر شاه ننشاندی
نه موبد بد او را نه فرمانروای	جهان بد به دستوری سوفرای

(ج ۸، ۲۰)

قدرت های دینی هم نقش بسزایی در حفظ امنیت یا ایجاد ناامنی در کشور دارند. در شاهنامه موبدان یکی از ارکان قدرت سیاسی پس از پادشاه هستند که از همان آغاز دوران پادشاهی یعنی دوره طهمورث به نقش آن ها اشاره می شود؛ به طوری که طهمورث پس از نشستن بر تخت پادشاهی، موبدان را فرامی خواند و به رایزنی با آنان می پردازد.

بیامد به تخت پدر برنشست	به شاهی کمر بر میان بر بیست
همه موبدان را ز لشکر بخواند	به خوبی چه مایه سخن ها براند

(ج ۱، ۳۶)

موبدان در دوره ساسانیان نفوذ گسترده تری در امور حکومتی داشتند. در آن روزگار خسرو پرویز که برای رهایی از تهدید بگرام چوبینه به روم گریخت، پس از بازگشت به ایران نتوانست حمایت گروه های بانفوذ کشور را به دست آورد. «بزرگان به ویژه موبدان به هیچ روی از استواری سلطه او خرسند نشدند؛ زیرا وی را دست نشانده قیصر می دیدند و از دل بستگی او به مسیحیت ناخشنود بودند»؛ (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۲۴۶) به همین دلیل موبدان و بزرگان به تحریک زادفرخ که مشاور پادشاه بود، زمینه کودتا و براندازی حکومت خسرو پرویز را فراهم کردند.

تهدیدهای خارجی، امنیت نظامی و ملی کشور را به مخاطره می اندازد و به شکل های مختلفی چون: دخالت، اقدامات براندازی و تهاجم نظامی بروز می کند. علت اصلی ایجاد تهدیدهای خارجی آن است که کشورهای رقیب با تغییر در مناسبات توازن قدرت بین کشورها برای رسیدن به منافع بیشتر یا آسیب رساندن و تضعیف رقیب، امنیت نظامی و ملی سایر کشورها را به خطر می اندازند.

با نگاه کلی به ادوار مختلف شاهنامه آشکار است که در دوران اسطوره ای که بیشتر پدرشاهی غلبه دارد، مردم کمتر از فرمان های شاهان سرپیچی می کنند و بیشتر نافرمانی ها از جانب دیوان و اقوام خارجی است. در دوران حماسی، سرپیچی های بزرگ بیشتر از قیام هاست؛ زیرا در این دوران بزرگان قوم به ویژه سام، زال و رستم چنان نقش مسلطی داشتند که اختلافات داخلی را قبل از رسیدن به قیام رفع می کردند؛ اما

در دوران تاریخی، قیام‌ها و شورش‌ها بیشتر شد و شورش‌ها به برانداختن شاه و روی کار آوردن حاکمی دیگر می‌انجامید (ر.ک: جوانشیر، ۱۳۸۰: ۱۴۹-۱۵۰).

کسب قدرت برتر نظامی و تسلیحاتی در نگرش حاکمان شاهنامه، نه تنها مانعی در برابر تهدیدهای داخلی بود و امنیت ملی را تداوم می‌بخشید، بلکه برای تهدیدهای بیگانگان هم عامل بازدارنده‌ای بود تا با هراس از قدرت نظامی ایران زمین، چشم طمع به آن سرزمین ندوزند. در این میان، برخی پادشاهان دادگر با نگاه وسیع‌تر به امنیت، علاوه بر ایجاد اقتدار نظامی بر دفاع از سایر کشورها و ملت‌ها هم تأکید داشتند و با حمایت از کشورهای دیگر هم‌پیمانان قابل اعتمادی در سطح بین‌المللی برای خود به وجود می‌آوردند؛ همان‌طور که منوچهر با پذیرش پیشنهاد زال مبنی بر نبودن با مهراب با هدف توسعه امنیت ملی و پیشگیری از خسارت‌های جانی و مالی احتمالی جنگ، کابل را به کشوری متحد با ایران تبدیل کرد.

عوامل تهدیدکننده امنیت نظامی

وقتی امنیت نظامی کشور به خطر می‌افتد و تهدید نظامی مطرح می‌گردد، مناسبات سیاسی عادی مختل شده و تمایل برای تعیین تکلیف مسائل و اختلافات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... با تکیه بر زور و نظامی‌گری بیشتر می‌شود. به باور بوزان و همکارانش مؤلفه‌هایی چون: توانایی‌های نظامی میان رقبا، جغرافیای سرزمینی، پیشینه تاریخی و عوامل سیاسی در ایجاد حس تهدید و ناامنی تأثیر دارند (ر.ک: ۱۳۸۶: ۹۷-۱۰۰).

یکی از بنیادی‌ترین اندیشه‌های فردوسی در شاهنامه، تقابل همیشگی خیر و شر است که به صورت تکرارشونده در داستان‌های مختلف بازتاب یافته است؛ از این رو جنگ در شاهنامه یکی از واقعیت‌های زندگی در تاریخ بشر محسوب می‌شود و به همین دلیل در هر سه دوره اساطیری، حماسی و تاریخی به آن می‌پردازد. هدف فردوسی از تصویرگری‌های فراوان جنگ‌ها، نمایاندن نبرد همیشگی نیروهای خیر و شر و دلاوری‌های مردم و پهلوانان برای دفاع از استقلال و آزادی وطن بوده و در خلال این جدال‌ها، عوامل مؤثر بر ایجاد امنیت یا تهدید نظامی در جامعه و کشور را به زیبایی بیان کرده است. با واکاوی داستان‌های شاهنامه می‌توان مؤلفه‌هایی را که در ایجاد حس تهدید و آسیب‌پذیری کشور اثرگذار بوده و زمینه منطقی را برای امنیتی کردن موضوعات فراهم کرده‌اند در چهار دسته قرار داد که عبارتند از: توانایی‌های نظامی میان رقبا و تغییر در این مناسبات، جغرافیای سرزمین از طریق بعد و پهنه جغرافیایی، عوامل تاریخی باوجود پیشینه تلخ و خاطرات ناخوشایند درگیری‌های گذشته، عوامل سیاسی و میزان شناخت و هماهنگی بازیگران سیاسی.

۱- توانایی‌های نظامی میان رقبا و تغییر در این مناسبات

زمانی که رقیبان داخلی یا خارجی توانایی نظامی بهتری نسبت به حکومت مرکزی کسب کنند یا دچار

ضعف قدرت نظامی یا ناامنی نظامی شوند، نیروهای مهاجم داخلی یا خارجی به تجاوز، ایجاد ناامنی و درگیری روی می‌آورند. درواقع تمام کشورها برای تحقق اهداف و منافع ملی خود و مقابله با قدرت‌گیری و سلطه دیگران به تقویت قدرت نظامی خود می‌پردازند؛ زیرا افزایش یا کاهش قدرت و برهم‌خوردن موازنه قدرت و توانایی رقبای، امنیت نظامی کشور را تهدید می‌کند. کشورهای متخاصم به‌عنوان اصلی‌ترین عامل تهدیدکننده نظامی با انگیزه‌هایی چون: کسب منافع سیاسی، اقتصادی، تغییر در مناسبات قدرت بین کشورها به اقدامات متجاوزانه می‌پردازند.

۱-۱- مناسبات و تعاملات حکومت‌های ایرانی شاهنامه با کشورهای دیگر به‌خوبی نمایانگر مؤلفه‌های اصلی در به وجود آمدن تهدیدات نظامی است؛ بدین‌صورت که هر زمان قدرت مرکزی دچار ضعف شده یا از قدرتمند شدن دشمنان غفلت ورزیده، کشورهای رقیب با انگیزه‌های مختلف اقتصادی، جغرافیایی، سیاسی، تاریخی و ... به مرزهای ایران تجاوز کرده و امنیت نظامی کشور را به خطر انداخته‌اند؛ مثلاً تغییرات ناگهانی و سریع در مرکز حکومت، قدرت مرکزی را کاهش می‌دهد و طمع کشورهای دیگر را برای دستیابی به منابع و منافع بیشتر برمی‌انگیزد؛ چنانکه بعد از خبر مرگ اردشیر، برخی کشورها از پرداخت خراج سر باز زدند. قیصر روم هم به‌سوی ایران لشکرکشی کرد؛ ولی وقتی شاپور بر تخت نشست، لشکر روم را به عقب‌نشینی و خراج‌گزاری دوباره وادار کرد. کشورهای رقیب نیز با شنیدن خبر شکست لشکر قدرتمند روم، عقب‌نشینی و پرداخت خراج سالانه را به تحركات نظامی و جنگ ترجیح دادند.

وزآن پس پراگنده شد آگهی	که بیکار شد تخت شاهنشاهی
بمرد اردشیر آن خردمند شاه	به شاپور بسپرد تخت و سپاه
خروشی برآمد ز هر مرز و بوم	ز قیدافه برداشتند باژ روم (ج ۷، ۱۹۶-۱۹۷)

در شاهنامه حکومت‌های فراوانی بر اثر تغییر در توانایی‌های رقیبان با تهدیدات نظامی و امنیتی مواجه شده‌اند؛ همان‌طور که توانمند شدن فریدون به‌عنوان رقیب و تشکیل سپاه بزرگ، باعث فروپاشی حکومت مقتدر و جبار ضحاک گردید.

فریدون به خورشید بر برد سر	کمر تنگ‌بستش به کین پدر ..
سپاه انجمن شد به درگاه او	به ابر اندر آمد سر گاه او
به پیلان گردون کش و گاو میش	سپه را همی توشه بردند پیش (ج ۱، ۶۶)

۱-۲- شهریاران شاهنامه در رأس قدرت حاکمیتی بودند؛ بنابراین اعمالی که یک شاه در طول دوره پادشاهی خود انجام می‌داد، به‌صورت عینی در سرنوشت کشور و ملت بازتاب می‌یافت. «در مقدمه شاهنامه ابومنصوری آمده است: هرگاه کشور از شاهان تهی ماندی، بیگانگان آمدندی و بگرفتندی این پادشاهی؛ چنانکه به گاه جمشید، به گاه نوذر، به گاه اسکندر.» (جوانشیر، ۱۳۸۰: ۳۰۶) به گواهی

شاهنامه، پادشاهانی که با خردمندی و دادگری در اوج اقتدار بودند، طمع‌ورزی رقیبان را سرکوب می‌کردند و در مقابل، بی‌تدبیری و ضعف برخی شاهان، متجاوزان را بر تعدی و ایجاد تهدیدهای امنیتی علیه کشور گستاخ می‌نمود؛ به‌عنوان مثال در دوره نوذر، زندانی شدن شاه در نبرد با افراسیاب به سپاهیان دیگر کشورها جرئت داد تا به تجاوز و ناامنی در ایران روی بیاورند؛ بنابراین شماساس به طمع تسخیر زابلستان با همراهی خزروان، تهدیدهایی علیه امنیت نظامی کشور به وجود آورد.

شماساس کز پیش حیچون برفت	سوی سیستم روی بنهاد و تفت
خزروان ابا تیغ زن سی هزار	ز ترکان بزرگان خنجر گزار
برفتند بیدار تا هیرمند	ابا تیغ و با گرز و بخت بلند

(ج ۲، ۲۹-۳۰)

اسارت پادشاهان شاهنامه همواره باعث به خطر افتادن امنیت نظامی شده است؛ همان‌طور که در زمان اسارت کاووس توسط شاه هاماوران، ترکان و تازیان مهاجم با لشکرکشی به ایران، کشور را با ناامنی و تهدیدهای نظامی مواجه کردند.

چو بر تخت زرین ندیدند شاه	بجستن گرفتند هر کس کلاه
ز ترکان و از دشت نیزه‌وران	ز هر سو بیامد سپاهی گران ..
از ایران برآمد ز هر سو خروش	شد آرام گیتی پر از جنگ و جوش

(ج ۲، ۱۳۸)

شاپور ذوالاکتاف هم که برای کسب اطلاع از وضع روم در پوشش بازرگان به آنجا رفته بود، به دلیل نداشتن آموزش‌های اطلاعاتی و امنیتی، شناسایی و اسیر شد؛ همین امر لشکرکشی قیصر روم به ایران و تهدید امنیت نظامی را رقم زد که نتیجه‌ای جز ویرانی، کشته‌شدن و اسارت مردم ایران نداشت.

همان روز از آن مرز لشکر براند	ورا بسته در پوست آنجا بماند
چو قیصر به نزدیک ایران رسید	سپه یک‌به‌یک تیغ کین برکشید
از ایران همی برد رومی اسیر	نبود آن یلان را کسی دستگیر

(ج ۷، ۲۲۹)

۱-۳- مداخله‌جویی و نفوذ دولت‌های دوست و دشمن در زمان صلح و جنگ امنیت نظامی کشورها را با تهدیدهای جدی روبه‌رو می‌کند؛ چنانکه در دوره هراسب، هندوان با آگاهی از اختلاف گشتاسب با پدرش، او را به هند دعوت کردند و با تحریک و روانه شدن گشتاسب و سربازانش به‌سوی کشور رقیب، تنش‌ها و تهدیدهای امنیتی افزایش یافت.

یکی نامه دارم من از شاه هند	نوشته ز مشک سیه بر پرند
که گر زی من آیی تو را کهترم	ز فرمان و رأی تو برنگذرم

(ج ۶، ۱۱)

اعمال‌نظر کشورها در قلمرو کشورهای دیگر، تهدیدی برای استقلال و امنیت ملی تلقی می‌شود؛

زیرا کشور مداخله‌کننده به نحوی در امور داخلی کشور دیگر اعمال نفوذ می‌کند؛ تا منافع خود را تأمین نماید و این امر باعث تهدید استقلال کشور مورد نظر می‌گردد. حکیم فردوسی در داستان‌های زیادی تأثیر حمایت کشورهای رقیب را از گروه‌های مخالف و شورشیان داخلی بر سرنوشت کشور بازتاب داده است. رفتار مداخله‌جویانه شاه هیتال در حمایت از شورش پیروز علیه هرمزد و پشتیبانی از قباد برای بازگشت به پادشاهی نمونه‌ای دیگر از تأثیر نفوذ کشورهای رقیب بر اساس منفعت‌طلبی‌های بیگانگان است.

به پیمان سپارم سپاهی تو را	نمایم سوی داد راهی تو را
که باشد مرا ترمذ و ویسه گرد	که خود عهد این دارم از یزدگرد

(ج ۸، ۸)

۴-۱- برخی گروه‌های بانفوذ و قدرتمند داخلی اعم از سیاسی، قومی، اقتصادی و نظامی نیز برای رسیدن به اهداف و منافع خود، امنیت نظامی و ملی کشور را تهدید می‌کنند و با تغییر در موازنه قدرت و فعالیت‌های خرابکارانه به ایجاد کودتا و آشوب روی می‌آورند. درواقع همواره گروه‌های فشار و بانفوذ تلاش می‌کنند تا بر خط‌مشی حکومت تأثیر بگذارند و قدرت سیاسی را در دست بگیرند؛ ولی اگر موجودیت یا منافع خود را در معرض تهدید بدانند، زمینه‌های ناامنی و براندازی را پدید می‌آورند.

نقش گروه‌های سیاسی بانفوذ برای ایجاد تهدید علیه امنیت نظامی و ملی در داستان‌های بسیاری نمایان است؛ مثلاً ترور ایرج توسط سلم و تور، برادران شاهزاده ایرانی که بازیگران سیاسی فعال عهد فردیون بودند، اتفاق افتاد. پیروز هم با برخورداری از نفوذ سیاسی گسترده توانست علیه برادرش هرمزد شورش کند. در عهد انوشیروان، نوش‌زاد نیز با شایعه‌پراکنی درباره مرگ پدر و شورش، خود را جانشین او معرفی کرد.

کسی برد زی نوش‌زاد آگهی	که تیره شد آن قرّ شاهنشهی ..
جهاندار بیدار کسری بمرد	زمان و زمین دیگری را سپرد
ز مرگ پدر شاد شد نوش‌زاد	که هرگز ورا نام نوشین مباد

(ج ۸، ۹۶)

اقتدار سیاسی حاکمیت، ارتباط تنگاتنگی با قدرت اقتصادی کشور دارد؛ بنابراین اشراف و قدرتمندان اقتصادی در ایجاد امنیت یا تهدید نظامی نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ چنانکه بهرام چوبین با آگاهی از مؤلفه تأثیرگذار اقتصاد در حاکمیت سیاسی، توانست ثروتمندان و درباریان هرمزد را با خود همراه کند و با ضرب سکه به نام خسروپرویز و رواج سکه‌ها، کودتا و براندازی اقتصادی حکومت هرمزد را رقم بزند.

همی کرد اندیشه در بیش و کم	بفرمود پس تا سرای درم
بسازند و آرایشی نو کنند	درم مهر بر نام خسرو کنند

(ج ۸، ۴۱۹)

بر اساس ساختار سیاسی حکومت‌های شاهنامه، قدرت نظامی مهم‌ترین عامل بقای حکومت‌ها، یکپارچگی کشور و امنیت ملی محسوب می‌شد؛ به همین دلیل برای حکومت‌ها و دولت‌ها، امنیت نظامی

و فعالیت‌های رزمی در اولویت قرار داشت؛ اما در برخی از دوره‌ها، عامل نظامی نه تنها امنیت کشور را تضمین نمی‌کرد، بلکه خود باعث تهدید و ناآرامی در جامعه می‌شد و عوامل امنیتی دیگر مانند سیاست و اقتصاد را به خدمت خود می‌گرفت. تحلیلگران امنیتی معتقدند در چنین جامعه و شرایطی هدف جنگ بر هدف امنیت اولویت می‌یابد و کسب قدرت نظامی هرچه بیشتر در رأس برنامه‌های کشور قرار می‌گیرد؛ بنابراین در طول تاریخ، تأکید بیش‌ازحد بر تقویت بنیه نظامی و بی‌توجهی به سایر مؤلفه‌های امنیت باعث فروپاشی امپراتوری‌های قدرتمند گردیده است؛ (ر.ک: امیدوارنیا، ۱۳۸۱: ۶۹) به عنوان نمونه سوفرای پهلوان، علیه بلاش کودتا کرد و با برکناری شاه نوجوان، قباد را بر تخت نشاند. بهرام چوبین نیز به عنوان تنها فرمانده قدرتمند که سپاه منسجمی در اختیار داشت به دلیل نارضایتی از رفتار شاه با همراه کردن بازگانان، مقدمات توطئه و شورش علیه پادشاه را فراهم کرد.

به بازارگان گفت مهر درم	چو هرمزد بپسند بیچد ز غم
چو خسرو نباشد ورا یار و پشت	بپسند ز من روزگار درشت
چو آزردها بر زمین برزنم	همی بیخ ساسان ز بن برکنم

(ج ۸، ۴۲۰)

۲- جغرافیای سرزمین از طریق بعد و پهنه جغرافیایی

سرزمین از طریق بعد و پهنه جغرافیایی، عامل مهمی در بروز تهدیدات نظامی محسوب می‌شود؛ به بیان دیگر موقعیت جغرافیایی یا وسعت جغرافیایی کشور می‌تواند در ابعاد مختلف: نظامی، سیاسی، اقتصادی، محیط زیستی و ... دارای اهمیت باشد و کشورهای رقیب با انگیزه‌های گوناگون در مرزهای جغرافیایی سایر کشورها به ایجاد تهدید و ناامنی نظامی پردازند. در طول تاریخ، دولت‌ها همواره کوشیده‌اند تا با الحاق و تملک سرزمین‌های دیگر، مرزهای خود را گسترش دهند و در راه رسیدن به این اهداف گاه با اقناع و رضایت طرف مقابل و گاه با درگیری و بدون رضایت طرف مقابل بر وسعت سرزمین خود افزوده‌اند. در گذشته مهم‌ترین وظیفه حاکمیت حفظ تمامیت ارضی و امنیت ملی بوده است؛ پس همواره از امنیت مرزهای جغرافیایی کشور محافظت کرده‌اند تا بیگانگان نتوانند به جان، مال و هویت مردم ساکن در کشور تعرض نمایند.

۲-۱- موقعیت جغرافیایی یک سرزمین در زندگی اقتصادی ساکنان آن تأثیر فراوانی می‌گذارد. زمین‌های حاصل خیز، آب‌وهوای معتدل و منابع زیرزمینی آن منطقه در فعالیت‌های اقتصادی یک ملت و رفاه عمومی جامعه مؤثر است. همین مزیت جغرافیایی می‌تواند طمع دشمنان آزمند را برانگیزد و امنیت ملی را تهدید کند؛ ایران شاهنامه در مرکز جهان قرار داشت و به دلیل پهنه وسیع جغرافیایی و موقعیت ارزشمند آن همواره رشک و حسد کشورهای رقیب را برمی‌انگیخت؛ به عنوان مثال فریدون در دوره پادشاهی خود بر اساس لیاقت پسران، جهان را بین آن‌ها تقسیم کرد و با هدف سهولت در رسیدگی به تمام کشور حاکمیت مناطق را به آنان سپرد؛ ولی موقعیت جغرافیایی برتر ایران که تحت حاکمیت ایرج قرار گرفته بود،

زمینه نارضایتی سلم و تور را فراهم کرد و فزون‌طلبی و طمع دو شاهزاده به جغرافیای برتر ایران نتیجه‌ای جز تهدیدهای نظامی، شورش‌های منطقه‌ای، جنگ‌های مکرر، توطئه و ترور ایرج را در پی نداشت.

جو ایران و دشت یلان و یمن به ایرج دهد روم خاور به من
سپارد تو را مرز ترکان و چین که از تو سپیدار ایران‌زمین (ج ۱، ۹۲)

به گواه شاهنامه، آزمندی و طمع‌ورزی کشورهای رقیب جنگ‌های فراوانی را به ایران تحمیل کرده است. به‌وضوح هرگاه که آتش اختلافات داخلی شعله‌ور می‌شد و امنیت و قدرت نظامی کاهش می‌یافت، دشمنان و بیگانگان به‌قصد تاراج خاک و مال سرزمین ایران بی‌رحمانه به آن می‌تاختند؛ اما در این بین برخی پادشاهان سست‌تدبیر ایرانی هم به طمع کشورگشایی و مال‌اندوزی در جنگ با همسایگان پیشگام شدند؛ همان‌گونه که کاووس با شنیدن وصف مازندران، بدون توجه به مخالفت فرماندهان و بزرگان برای تصرف آن سرزمین لشکری فراهم کرد.

جو کاووس بشنید از او این سخن یکی تازه اندیشه افکند بن
دل رزمجویش بیست اندران که لشکر کشد سوی مازندران (ج ۲، ۷۷)

کیکاووس، هشدارهای زال را نپذیرفت و این جنگ‌طلبی به مقابله شاه مازندران و اسارت او منتهی شد که جنگاوری‌های رستم در هفت‌خان به آزادی کاووس و پیروزی در برابر شاه مازندران انجامید.

۲-۲- وسعت جغرافیایی سرزمین یکی از عوامل مؤثر در بروز تهدیدهای نظامی محسوب می‌شود. شاهنامه مانند دیگر حماسه‌های طبیعی و ملی در حصار زمان و مکان محدود نیست؛ همین ویژگی باعث شده است تا مرزهای جغرافیایی ایران در دوره‌های مختلف شاهنامه با ابهاماتی همراه باشد که این موضوع در بخش‌های اساطیری و پهلوانی بیشتر نمایان است؛ زیرا هرچه صراحت زمان و مکان بیشتر باشد، وقایع داستانی و اساطیری به تاریخ نزدیک‌تر و از ارزش حماسی آن کاسته می‌شود (ر.ک: انوری، ۱۳۸۹: ۳۲-۴۲). در اوستا سرزمین ایرانی‌ها «ایرانویج» نام دارد. در شاهنامه نیز پایتخت جمشید، به‌عنوان پادشاه جهان، ایران بود که در دوره فریدون با تقسیم جهان بین پسرانش کم‌کم جایگاه جغرافیایی آن آشکار شد. باوجوداین، در دوره‌های مختلف شاهنامه، پهنه وسیع جغرافیایی ایران همواره طمع کشورهای متجاوز و حاکمان آزمند را برمی‌انگیخت؛ بر این اساس مرزبانی و هوشیاری در حراست از مرزها یکی از مؤلفه‌های اصلی در ایجاد و تداوم امنیت نظامی کشور محسوب می‌شد و پادشاهان خردمند شاهنامه با چاره‌اندیشی برای امنیت مرزها و تقویت بنیه نظامی کشور در جهت حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور می‌کوشیدند؛ چنانکه بهرام‌گور برای ایمن‌سازی مرزهای کشور دستور داد با گچ و سنگ نشان مرزی ساخته شود تا کسی بدون اجازه حکومت وارد خاک ایران نشود و رود جیحون را مرز مشترک قرار داد.

در دوره انوشیروان نیز ایرانیان برای مقابله با تهدیدهای نظامی دشمنان در منطقه مرزی دیواری از دریا تا کوه ساختند تا مانع بزرگی برای عبور دشمن شود و با نصب درهای آهنی هرگونه تردد به کشور کنترل گردد.

یکی باره از آب برکش بلند	برش پهن و بالای او ده کمند
به سنگ و به گچ باید از قعر آب	برآورده نا چشمه آفتاب
هر آن که سازیم زین گونه بند	ز دشمن به ایران نباید گزند

(ج ۷، ۷۱)

برخی مرزهای جغرافیایی به دلیل موقعیت راهبردی و اهمیت ویژه منطقه‌ای، همواره موردتوجه و کانون تنش و درگیری بوده‌اند. الانان که در ارتفاعات شمال غرب ایران شاهنامه معرفی شده، یکی از این مناطق جغرافیایی است؛ جایی که منوچهر برای خون‌خواهی جدش به‌سوی آن لشکر کشید.

کشیدند لشکر به دشت نبرد	النان و دریا پس پشت کرد
-------------------------	-------------------------

(ج ۱، ۱۲۰)

سلم به‌قصد پناه گرفتن در دژ الانان به آنجا گریخت؛ ولی منوچهر با آگاهی از نیت سلم، راه را بر او بست.

کلانی دژش باشد آرامگاه	سزد گر برو برگیریم راه
------------------------	------------------------

(ج ۱، ۱۲۶)

در داستان جنگ دوازده رخ هم کیخسرو برای جلوگیری از نفوذ تورانیان به ایران و محافظت از الانان هراسپ را به‌سوی دژ الانان فرستاد.

النان و غز دژ به لهراسب داد	بدو گفت کای گرد خسرو نژاد
برو با سپاهی به کردار کوه	گزین کن ز گردان لشکر گروه

(ج ۵، ۹۳)

در دوره انوشیروان نیز از این مرز جغرافیایی مهم یاد می‌شود. نوشین‌روان پس از کشیدن دیوار مرزی از راه دریا به الانان رفت تا به وضع آن مرز رسیدگی کند.

ز دریا به راه الانان کشید	یکی مرز ویران و بیکار دید
---------------------------	---------------------------

(ج ۸، ۷۱)

در سال‌های بعد به دلیل موقعیت جغرافیایی حساس ایران، خسرو پرویز هم برای ایجاد امنیت مرزی، چهار لشکر دوازده‌هزار نفری را به چهار مرز ایران‌زمین فرستاد که یکی از آنها مرز الانان بود.

ز لشکر ده و دو هزار دگر	دلاور سواران پرخاشخ
بخواند و بسی هدیه‌ها دادشان	به راه الانان فرستادشان

(ج ۹، ۱۹۵)

۳- عوامل تاریخی باوجود پیشینه تلخ و خاطرات ناخوشایند درگیری‌های گذشته

عوامل تاریخی باوجود پیشینه تلخ و خاطرات ناخوشایند جنگ‌های گذشته و دشمنی‌های تاریخی در بروز تهدیدات نظامی نقش مؤثری دارد. تاریخ، آکنده از نزاع‌های بین کشورها، قبایل و گروه‌هاست که با

انگیزه‌های گوناگون شروع شده و سرانجام پایان یافته است و دو کشور یا گروه متخاصم، درگیری نظامی را رها کرده‌اند؛ ولی این سابقه دشمنی، انگیزه‌ای بود تا دو طرف نزاع با فراهم شدن بهانه‌ای، دوباره آتش جنگ را شعله‌ور کنند.

۱-۳- پیشینه تاریخی ناخوشایند، جنگ‌های زیادی را در شاهنامه رقم زده است؛ زیرا حس انتقام یکی از مهم‌ترین محرک‌ها در نبرد و اعمال جنگجویان محسوب می‌شود. بیشتر قهرمانان و پادشاهان شاهنامه هم برای کین‌خواهی پدر و اجداد خود با همراهی توده مردم به نبرد روی می‌آورند. در تمام این جنگ‌ها، حاکمان و پهلوانان با تهییج مردم و برانگیختن حس ملی‌گرایی آن‌ها را به کین‌خواهی از دشمنان ترغیب کرده‌اند. این انتقام‌جویی از آغازین داستان‌های شاهنامه شروع می‌شود و در ادوار مختلف آن تداوم می‌یابد؛ همان‌طور که طهمورث به کین‌خواهی سیامک به نبرد با اهریمن می‌رود. پیشینه انتقام‌جویی فریدون بر مرگ پدرش، آبتین، او را به نبرد با ضحاک برمی‌انگیزد. منوچهر انتقام ایرج را می‌گیرد. رستم و کیخسرو برای گرفتن خون‌های سیاوش با افراسیاب مبارزه می‌کنند. شاپور ذوالاکتاف برای انتقام گرفتن از طائر عرب به دلیل اسارت عمه‌اش، نوشه، ازدواج با مالکه، دختر طائر، را می‌پذیرد و با همراهی او می‌تواند ضمن تسخیر دژ، طائر عرب را نابود کند.

چنین گفت شاپور بدنام را	که از پرده چون دخت بهرام را
بیاری و رسوا کنی دوده را	برانگیزی آن کین آسوده را
به دژخیم فرمود تا گردنش	زند بآتش اندر بسوزد تنش

(ج ۷، ۲۲۵)

سوفرای، سرلشکر ایرانی هم به خون‌خواهی مرگ پیروزشاه، شیرازیان را به جنگ تورانیان دعوت می‌کند.

به کین شهنشاه ایران شویم برین دز به کردار شیران شویم (ج ۸، ۲۳)

کشورهای رقیب ایران نیز بارها به قصد کینه‌جویی به این سرزمین لشکرکشی کرده‌اند؛ به‌عنوان نمونه شاه هاماوران که در برابر کاووس به پذیرش شکست و ازدواج دخترش با شاه ایران تن داده بود به قصد انتقام، دشمنان ایران را متحد کرد و همراه با مصر و بربرستان به مرزهای ایران تاخت.

چو بنشست سالار با رای زن	دو مرد جوان خواست از انجمن
بدان تا فرستد هم اندر زمان	به مصر و به بربر چو باد دمان ..
گر ایدونک باشید با من یکی	ز رستم نترسم به جنگ اندکی

(ج ۲، ۱۴۱)

ارجاسب تورانی که در نبرد با اسفندیار شکست خورده بود، وقتی فهمید گشتاسب به‌خاطر بدبینی به اسفندیار، او را زندانی کرده و خود برای گسترش دین زرتشت راهی سفر به اطراف کشور شده است

برای انتقامجویی از شکست قبلی به ایران لشکر کشید و با کشتن لهراسب در بلخ و تخریب آتشکده شهر به قتل و غارتگری در ایران دست زد.

بدو گفت بگزین ز لشکر سوار	ز ترکان شایسته مردی هزار
از ایدر برو تازیان تا به بلخ	که از بلخ شد روز ما تار و تلخ

(ج ۶، ۱۳۸)

۲-۳- در شاهنامه، برخی از انتقامجویی‌ها به صورت فردی و با انگیزه شخصی روی می‌داد؛ به عنوان مثال تعدادی از توطئه‌ها توسط زنان تورانی که در دربار پادشاهان مقام یافته بودند، شکل می‌گرفت. آن‌ها برای گرفتن انتقام خون پدرانشان که توسط ایرانیان کشته شده بودند به توطئه، ناامنی و ترور روی می‌آوردند؛ همان‌طور که سودابه، همسر کیکاووس، زمینه پناهندگی و مرگ سیاوش را فراهم کرد. گلناز، دختر اردوان، هم برای انتقامجویی مرگ پدر و اسارت و متواری شدن برادرانش به دست اردشیر، شریّت زهرآلودی تهیه کرد تا پادشاه را از بین ببرد.

بدو گفت رو پیش خواهر بگوی	که از دشمن این مهربانی مجوی
برادر دو داری به هندوستان	به رنج و بلا گشته هم‌داستان
دو در بند و زندان شاه اردشیر	پدر کشته و زنده خسته به تیر ..
هلاهل چنین زهر هندی بگیر	به کار آر یکپار بر اردشیر

(ج ۷، ۱۵۶)

۴- عوامل سیاسی و میزان شناخت و هماهنگی بازیگران سیاسی

تحلیلگران حوزه امنیت بر این باورند که بازیگران سیاسی می‌توانند بر امنیت نظامی تأثیرات فراوانی بگذارند و نوع رفتار و سیاست‌های آن‌ها می‌تواند نقش مهمی در ایجاد امنیت یا بروز بحران ایفا نماید؛ به بیان دیگر چنانچه بازیگران سیاسی اعم از: حاکمان، دولت‌مردان، فرماندهان و افراد ذی‌نفوذ، مصالح مالی را در رأس ایدئولوژی‌های خود قرار دهند، عملکرد و نتایج آن با زمانی که صرفاً برای حفظ منافع شخصی خود تلاش می‌کنند، کاملاً متفاوت خواهد بود.

۱-۴- در سرتاسر شاهنامه، پادشاهان خودکامه با اتخاذ سیاست‌های نادرست و ناکارآمد، تهدیدهای گسترده‌ای را برای کشور رقم‌زده‌اند؛ به عنوان نمونه جمشید که در دوره طولانی حکمرانی‌اش با سیاست‌گذاری‌های صحیح امنیتی به مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی پرداخته بود، پس از گذشت سال‌ها و کسب قدرت فراوان دچار غرور و تکبر شد که خشم عمومی و دوری موبدان و سرداران را در پی داشت. وی با نادیده گرفتن ضحاک به عنوان تهدید و بی‌توجهی به قدرت مردم در کودتا، پایه‌های حکومت خود را سست کرد. ضحاک یکی از ستمگرترین پادشاهان شاهنامه نیز با انتخاب اهریمن به عنوان مشاور، اشتغال به امور خود، غفلت از احوال مردم، برخوردهای حکومتی خشن با مردم، ضعف سیستم خبرگیری و عدم

اشراف اطلاعاتی در یافتن فریدون به عنوان رقیب قدرتمند، زمینه ساز کودتای فریدون با هدف خون خواهی پدرش شد.

فریدون به خورشید بر برد سر کمر تنگ بستش به کین پدر (ج ۱، ۶۶)

رفتار فریدون در تقسیم جهان بین فرزندان و سیاست نادرست او در قانع نکردن آن‌ها باعث بروز اختلاف و شورش‌های منطقه‌ای شد. نشانه عدم اقناع و نارضایتی در نامه سلم به تور دیده می‌شود.

سه فرزند بودیم زیبای تخت	یکی بهتر از ما برآمد به بخت
اگر مهترم من به سال و خرد	زمانه به مهر من اندر خورد
گذشته ز من تاج و تخت و کلاه	نزیب مگر بر نوای پادشاه
سزد گر بمانیم هر دو دژم	کزین سان پدر کرد بر ما ستم (ج ۱، ۹۲)

در زمان پادشاهی نوذر، رفتارهای ناصحیح حاکمیتی، نداشتن طرح دفاعی مناسب برای حفظ حدود و مرزها، اسارت و کشته شدن شاه ایران تأثیرات منفی زیادی بر امنیت نظامی کشور داشت که در نهایت به آشوب فراگیر و تهدیدهای مرزی انجامید و کشور را به بحران امنیتی کشاند.

ز گرد سواران جهان تار شد سرانجام نوذر گرفتار شد ..
بسی راه جستند و بگریختند به دام بلا هم برآویختند (ج ۲، ۲۶)

کیکاووس نمونه‌ای از پادشاه خودکامه، کم‌خرد و آزمند شاهنامه است. در این دوران، ایران تنها به پشتیبانی قدرت و تفکر نظامی پهلوانان پابرجا ماند. بی‌توجهی به نظر بزرگان و فرماندهان، جنگ‌طلبی در حمله به مازندران، سیاست نادرست باج‌خواهی از کشورها و نبرد با شاه هاماوران نمونه‌ای از سیاست‌ها و عملکرد نادرست امنیتی و نظامی کاوس شاه بود که بروز تهدیدهای فراوان و ناامنی نظامی کشور را در پی داشت؛ بنابراین فردوسی بارها از زبان افراد مختلف کاووس را خودکامه و سبک‌سر می‌خواند.

همی گفت کاووس خودکامه مرد نه گرم آزموده ز گیتی نه سرد (ج ۲، ۸۰)

گشتاسب در دوره پادشاهی‌اش، اسفندیار و رستم را تهدیدی برای تاج و تخت خود می‌دانست؛ به همین دلیل برای نابودی آن‌ها نبردی را طرح‌ریزی کرد. بی‌درایتی گشتاسب و فرستادن اسفندیار به جنگ‌های گوناگون، نداشتن نیروهای قابل اعتماد و کارآگاهان ورزیده مانع از اشراف اطلاعاتی و آگاهی به موقع از توطئه‌ها و حوادث شده بود که طمع‌ورزی کشورهای رقیب، لشکرکشی به مرزهای ایران و ناامنی نظامی را در پی داشت.

فراوان ز ایرانیان کشته شد	ز خون یلان کشور آغشته شد
پسر بود گشتاسب را سی و هشت	دلیران کوه و سواران دشت
بکشتند یکسر بر آن رزمگاه	به یکبارگی تیره شد بخت شاه

(ج ۶، ۱۴۴)

۲-۴- میزان مقبولیت ساختار قدرت نزد مردم و مردمی بودن حکومت باعث مشروعیت و تحکیم نظام حاکمیت می‌شود؛ بنابراین نارضایتی مردم از ساختار حکومت پایه‌های نظام را سست می‌کند و از قدرت آن می‌کاهد؛ همان‌طور که در دوره ضحاک، ظلم و تعدی فراوان حاکم، نارضایتی مردم را برانگیخت و قیام کاوه آهنگر، مقدمات شورش علیه ضحاک را فراهم کرد.

چو کاوه برون شد ز درگاه شاه	برو انجمن گشت بازارگاه
همی بر خروشید و فریاد خواند	جهان را سراسر سوی داد خواند

(ج ۱، ۶۴)

نارضایتی مردم از مرگ سوفرای نیز در شورش علیه قباد و براندازی حکومت او نقش مؤثری داشت. گروه‌های قومی داخلی هم به دلایل مختلفی چون جدایی طلبی، سهم‌خواهی، بی‌عدالتی و ... می‌توانند تهدید جدی برای امنیت نظامی محسوب شوند؛ همان‌گونه که در دوره انوشیروان، شورش بلوچان و گیلانیان داخل کشور، ناآرامی و تنش بزرگی ایجاد کرد.

به راه اندر آگاهی آمد به شاه	که کشت از بلوچی جهانی سیاه
ز بس کشتن و غارت و سوختن	زمین را به آب اندر انداختن
ز گیلان تباهی فزون است ازین	ز نفرین پراگنده شد آفرین

(ج ۸، ۷۴)

مشروعیت و مقبولیت مردمی ساختار حکومت، قدرت حاکمیت را افزایش می‌دهد؛ ولی خشونت فرمانروایان و بی‌توجهی به احوال مردم، نارضایتی، شورش و تضعیف قدرت حاکمیت را رقم می‌زند؛ همان‌گونه که یزدگرد بزهکار با قدرت طلبی، ظلم و خشونت بسیار نسبت به مردم و تحقیر بزرگان و پهلوانان پایه‌های حکومت و امنیت نظامی را سست کرد. هر مزد هم با بدرفتاری و خشونت موجب پراکنده شدن لشکریان و بزرگان و ضعف قدرت نظامی و دفاعی شد که حاصل آن طمع دشمنان، تهدید نظامی و لشکرکشی چندجانبه ساوه شاه از چین، قیصر از روم، ترکان از مازندران و تازیان از جنوب به مرزهای ایران بود.

چنین بود تا شد بزرگیش راست	هر آن چیز در پادشاهی که خواست
بر آشفت و خوی بد آورد پیش	به یکسو شد از راه آیین و کیش

(ج ۸، ۳۱۹)

۳-۴- تضعیف حاکمیت ملی، کنترل حکومت در داخل مرزهای خود را کاهش می‌دهد. با کم‌رنگ شدن نقش حکومت، سایر بازیگران عرصه سیاست بر اساس اهداف و منافع خود، بخشی از وظایف

سنتی حکومت‌ها را انجام می‌دهند و اگر ایدئولوژی‌ها و منافع نیروهای صاحب نفوذ با حاکمیت سیاسی کشور در تعارض قرار بگیرد، کنترل دولت‌های ملی را با چالش مواجه می‌کند. این کشمکش‌ها و سهم‌خواهی‌ها موجب ناامنی، جنبش‌های تجزیه‌طلب، براندازی و ... می‌گردد.

در عهد پادشاهان ساسانی دخالت گسترده موبدان و اشراف در حکومت نمایان می‌شود تا جایی که در دوره خسرو پرویز به دلیل رفتارهای خشن شاه و بی‌توجهی به اختلافات شدید در داخل کاخ و جامعه، این طبقه بانفوذ نه تنها شاه‌نشانی می‌کنند؛ بلکه به آسانی می‌توانند شاه را بکشند؛ همان‌طور که نارضایتی زادفرخ از عملکرد شاه، زمینه‌ساز توطئه و براندازی حکومت خسرو پرویز شد و امنیت نظامی کشور را به مخاطره انداخت.

دولت زادفرخ تبه گشت نیز	شهنشاه را چون پر آمد قفیز
ز کشور به کشور بیبوست راز ..	یکی گشت با سالخورده گراز
(ج ۹، ۲۳۸-۲۳۹)	بدو گفت برخیز و کشور بگیر
نخستین من آیم تو را دستگیر	

این بی‌درایتی‌ها در دوره یزدگرد هم تداوم یافت؛ بنابراین آشوب و ناآرامی سال‌های گذشته، ستم‌های فراوان بر ملت، تغییرات سریع حاکمان، تضعیف نیروهای نظامی و دخالت نکردن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های حکومتی، استفاده ابزاری از دین، از بین رفتن امنیت نظامی و عدم مقبولیت حکومت باعث پذیرش و استقبال افکار عمومی از حکومتی با دین جدید شد؛ در نتیجه تازیان مسلمان برخلاف سایر جنگ‌های ایران با کمترین خون‌ریزی و مقاومت از سوی ایرانیان به پیروزی رسیدند و بر ایران حاکم شدند.

نتیجه و پیشنهاد

امنیت یکی از اساسی‌ترین نیازهای اولیه بشر و عاملی ضروری در شکل‌گیری و بقای تمدن‌هاست. بر این اساس تأمین امنیت در ادوار مختلف تاریخ از مهم‌ترین وظایف حکومت‌ها بوده و به تبع آن بسیاری از جنگ‌ها و صلح‌ها برای ایجاد یا تداوم امنیت رخ داده است. در شاهنامه که نماینده تاریخ و تفکر ایرانیان باستان است، ایجاد امنیت و حفظ آن یکی از اصلی‌ترین اهداف حکومت‌هاست.

در ساختار حکومت‌های شاهنامه، حفظ منافع ملی، امنیت داخلی و مرزهای جغرافیایی کشور بر عهده نظام حاکمیتی است که در رأس آن پادشاه قرار دارد؛ از این رو زمانی که بیگانگان به مرزهای جغرافیایی کشور تعرض می‌کردند یا جان، مال و هویت مردم ساکن در کشور از سوی دشمنان خارجی یا داخلی تهدید می‌شد، شهriاران شاهنامه با یاری پهلوانان و استفاده از ابزار زور و نظامی‌گری می‌کوشیدند تا تمامیت ارضی، نظام حکومتی و مردم کشور را در امان نگه‌دارند. منابع تهدیدکننده امنیت نظامی و ملی در شاهنامه به دو گروه تهدیدهای داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند.

تهدیدهای داخلی در شاهنامه به تکرار از سوی گروه‌های سیاسی بانفوذ، گروه‌های قومی، قدرتمندان اقتصادی و نیروهای مسلح برای رسیدن به اهداف و منافع خود شکل گرفته و امنیت ملی را تهدید کرده است. تهدیدهای خارجی در شاهنامه توسط کشورهای رقیب با هدف تغییر در مناسبات توازن قدرت بین کشورها و رسیدن به منافع بیشتر یا آسیب‌رساندن و تضعیف رقیب بروز می‌کرد که امنیت نظامی و ملی سایر کشورها را به خطر می‌اندازند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در ایجاد حس تهدید و امنیتی کردن موضوعات در شاهنامه فردوسی اثرگذار بوده‌اند، عبارت است از: توانایی‌های نظامی میان رقبای و تغییر در این مناسبات، جغرافیای سرزمین از طریق بعد و پهنه جغرافیایی، عوامل تاریخی باوجود پیشینه تلخ و خاطرات ناخوشایند درگیری‌های گذشته، عوامل سیاسی و میزان شناخت و هماهنگی بازیگران سیاسی.

تغییرات ناگهانی در مرکز قدرت	توانایی‌های نظامی میان رقبای و تغییر در این مناسبات
اسارت پادشاهان	
مداخله‌جویی دولت‌های دوست و دشمن	
منفعت‌طلبی گروه‌های بانفوذ	
موقعیت جغرافیایی	جغرافیای سرزمین از طریق بعد و پهنه جغرافیایی
وسعت جغرافیایی	
انتقام‌جویی به دلیل پیشینه تاریخی ناخوشایند جمعی	عوامل تاریخی باوجود پیشینه تلخ و خاطرات ناخوشایند درگیری‌های گذشته
کین‌خواهی به دلیل خاطرات ناخوشایند شخصی	
خودکامی پادشاهان	عوامل سیاسی و میزان شناخت و هماهنگی بازیگران سیاسی
عدم مشروعیت ساختار حکومت	
تضعیف حاکمیت ملی	

عوامل تهدیدکننده امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی

مناسبات و تعاملات حکومت‌های ایرانی شاهنامه با کشورهای دیگر نقش مهمی در بروز تهدیدات نظامی دارد؛ بدین شکل که هر زمان قدرت مرکزی به دلایل مختلفی چون: تغییرات ناگهانی و سریع در مرکز حکومت، اسارت پادشاهان، کاهش مقبولیت مردمی ساختار حکومت، مداخله‌جویی گروه‌های قدرتمند داخلی و نفوذ دولت‌های دوست و دشمن، دچار ضعف شده یا از قدرتمند شدن دشمنان غفلت ورزیده‌اند، کشورهای رقیب با انگیزه‌های مختلف اقتصادی، جغرافیایی، سیاسی، تاریخی و ... به مرزهای ایران تجاوز کرده و امنیت نظامی کشور را به خطر انداخته‌اند. ایران شاهنامه در مرکز جهان قرار داشت و به دلیل پهنه وسیع جغرافیایی و موقعیت ارزشمند آن همواره رشک و حسد کشورهای رقیب را برمی‌انگیخت.

برخی مرزهای جغرافیایی به دلیل موقعیت راهبردی و اهمیت ویژه منطقه‌ای، همواره موردتوجه و کانون تنش و درگیری بوده‌اند. عوامل تاریخی و پیشینه تلخ خاطرات گذشته، جنگ‌های زیادی را در شاهنامه رقم زده است؛ ازاین‌رو حس انتقام یکی از مهم‌ترین محرک‌ها در اعمال و نبرد پادشاهان و جنگجویان شاهنامه محسوب می‌شود. به‌گواه شاهنامه نوع نگرش و رفتار بازیگران سیاسی نقش مهمی در ایجاد امنیت یا بروز بحران دارد؛ همان‌طور که شاهان خودکامه و گروه‌های قدرتمند سلطه‌جو با اتخاذ سیاست‌های نادرست و ناکارآمد، تهدیدهای نظامی گسترده‌ای را برای کشور رقم‌زده‌اند.

بدین‌ترتیب با ژرف‌نگری در شاهنامه فردوسی و مطالعه شیوه حکمرانی پادشاهان در دوره‌های مختلف شاهنامه می‌توان به بنیان‌های فکری عمیق ایرانیان باستان برای تحقق و تداوم امنیت نظامی پی برد و عوامل تهدیدکننده امنیت نظامی را شناخت. همچنین می‌توان با استفاده از تفکرات و روش‌های آنان در سطوح مختلف امنیتی برای کشف، شناسایی، پیشگیری، مقابله و نابودی عوامل تهدیدکننده امنیت نظامی الگو گرفت و در راستای استقرار امنیت پایدار در کشور و جهان امروز تلاش کرد.

منابع

- احمدی، مسلم (۱۳۹۰)، *راهبردها و تفکرات جنگی ایرانیان در شاهنامه*، فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۴۲، صص ۱۸۰-۱۴۷.
- اسپریگنز، توماس (۱۳۸۲)، *فهم نظریه‌های سیاسی*، ترجمه: فرهنگ رجایی، تهران، آگاه.
- استراوس، انسلم و کرین، جولیت (۱۳۹۱)، *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران، نشر نی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۵)، *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- امیدوارنیا، محمدجواد (۱۳۸۱)، *امنیت در قرن بیست و یکم*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- انوری، حسن (۱۳۸۹)، *ایران در شاهنامه*، مجله بخارا، شماره ۷۷-۷۸، صص ۳۲-۴۲.
- یوزان، باری (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- _____ و همکاران (۱۳۸۶)، *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه: علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پهلوان، جنگیز (۱۳۶۶)، *اندیشه‌های سیاسی*، تهران، کتیبه و پایپروس.
- تریف، تری و همکاران (۱۳۸۳)، *مطالعات امنیتی نوین*، ترجمه: علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جواد، جواد (۱۳۷۰)، *فریدونیان، ضحاکیان و مزدکیان*، تهران، مؤلف.
- جوانشیر (میزانی)، فرج‌الله (۱۳۸۰)، *حماسه داد: بخشی در محتوای سیاسی شاهنامه*، تهران، انتشارات جامی.
- درویشی، فرهاد (۱۳۸۹)، *ابعاد امنیت در اندیشه و آراء امام خمینی*، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳، صص ۵۵-۸۲.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱)، *لغت‌نامه: فرهنگ متوسط دهخدا*، زیر نظر دکتر سید جعفر شهیدی، جلد اول، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، *امنیت ملی و نظام بین‌المللی*، جلد اول، تهران، نشر آجا.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۹)، *نامورنامه: درباره فردوسی و شاهنامه*، تهران، نشر سخن.
- _____ (۱۳۸۳)، *روزگاران*، تهران، سخن.
- صیفوری، بتول (۱۳۹۲)، *نگاهی جامعه‌شناختی به علل و آیین جنگ‌ها در شاهنامه فردوسی*، مجله مطالعات ایرانی، شماره ۲۴، صص ۲۱۷-۲۳۷.
- عابدی جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰)، *تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی*، نشریه اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۲، صص ۱۵۱-۱۹۸.

- فردوسی، ابوالقاسم (۱۹۶۳)، **شاهنامه فردوسی**، متن انتقادی تحت نظری. ا. برتلس، جلد ۱ تا ۹، مسکو، انستیتیوی ملل آسیا.
- کرمزاده دیزجی، محمدصادق (۱۳۹۴)، **امنیت در شاهنامه**، تهران، فقه‌الصادق.
- ماندل، رابرت (۱۳۸۷)، **چهره متغیر امنیت ملی**، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مرادیان، محسن (۱۴۰۱)، **مبانی نظری امنیت**، تهران، دانشکده علوم و فنون فارابی.
- مک‌کین‌لای، رابرت دی و لیتل، ریچارد (۱۳۸۰)، **امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها**، ترجمه: اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ملااحمد، میرزا (۱۳۸۲)، **جنگ و صلح در شاهنامه فردوسی**، نشریه نامه پارسی، شماره ۲۸، صص ۴۳-۸۵.
- نولدکه، تئودور (۱۳۷۹)، **حماسه ملی ایران**، ترجمه: بزرگ علوی با مقدمه سعید نفیسی، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه.